

۴

ورزشی

جام جهانی

روز شمار

امروز ۱۱ آگوست

1984

لوتیس در کنار اونز

با کسب نشان طلای دوی ۴ در ۱۰۰ متر امدادی المپیک ۱۹۸۴ لس آنجلس، شاهکار کارل لوتیس رقم خورد. او که در آن المپیک مدال‌های طلای ۱۰۰ و ۲۰۰ متر و همینطور پرش طول را به دست آورده بود، با کسب چهارمین طلا در یک دوره المپیک همان موفقیتی را تکرار کرد که جسی اوونز در المپیک ۱۹۳۶ با کسب ۴ طلا رقم زده بود. این دو هنوز هم تنها دوندہ‌های ۴ طلایی المپیک در یک دوره هستند.



آخرین وضعیت حسینی در پرسپولیس

سید جلال شاید ناگهان خداحافظی کند

یحیی گل محمدی اواخر فصل گذشته از سیدجلال حسینی کمتر استفاده کرد. او فرشاد فرجی را در ترکیب فیکس تیمش گذاشت. سیدجلال در روز آخر مقابل پیکان دقایق پایانی وارد زمین شد تا چهاردهمین جام فوتبالی‌اش را بالای سر ببرد. او احتمالا در آن لحظات این فکر را در ذهن داشت که شاید آخرین جام فوتبالی‌اش را بالای سر می‌برد؛ رکوردی که بعید است حالا حالا‌ها کسی بتواند حتی به آن نزدیک شود.

سیدجلال در ۳۹ سالگی به ادعای خیلی‌ها، از جوان‌های لیگ‌بتر هم بهتر بازی می‌کند اما به قول خودش «برای همیشه که نمی‌توانم در فوتبال بمانم و یک روز باید بروم.» حسینی یک جمله قدیمی اما آشنا هم دارد. این‌که «خودم باید تشخیص دهم کی از فوتبال خداحافظی کنم.» در این‌که او دوست دارد با پیراهن پرسپولیس از فوتبال برود شکی نیست. سیدجلال همین حالا هم می‌تواند در لیگ‌بتر بازی کند. او آماده است، نه به اندازه جوانی‌اش اما در سطح لیگ برتر، جزو خوب‌هاست و قطعا به حفظ این آمادگی می‌تواند دوباره بازی کند. منتها شاید شرایط خط دفاعی پرسپولیس، او را با تصمیم ناگهانی به تیت‌ر یک رسانه‌ها تبدیل کند. یحیی دیروز ابراهیمی را از گل‌گهر جذب کرد. فرجی هم در قلب خط دفاعی حضور دارد. این یعنی یحیی می‌خواهد سن خط دفاعی‌اش را کمتر کند. سن و سال بالای سیدجلال در مسائل فنی می‌تواند اثرگذار باشد. این‌که چالای یک مدافع جوان را برای جلو بردن تیم نداشته باشد. در ابتدای فصل گذشته شایعات زیادی درباره جدایی احتمالی سیدجلال از جمع قرمزها مطرح بود که یحیی هم به

وقتش آن را تکذیب نکرد. گل‌محمدی کلا می‌خواهد آینده‌نگر باشد، به همین دلیل بعید است در فصل جدید فوتبال به سیدجلال فرصتی بدهد. این هم باب میل حسینی نیست و شاید باعث شود او تصمیم تازه‌ای برای خداحافظی بگیرد، مگر این‌که بخواهد فوتبالش را در جای دیگری ادامه دهد. او همین حالا اگر وارد بازار نقل و انتقالات شود، مشتریان خوبی خواهد داشت.



۱۵ والیبالیست در اردوی تیم ملی

بهروز عطایی که برای رقابت‌های قهرمانی آسیا به عنوان سرمربی تیم ملی برگزیده شد، با خط‌زدن معروف، موسوی و غفور، ۱۵ بازیکن را برای حضور در اردوی تیم ملی از ۲۴ مرداد فراخواند؛ عبادی‌پور، صالحی، اسفندیار، مسافر، کریمی، رضانی، مجرد، عابدینی، توخته، جلو، کاظمی، سعادت، حضرت پور، قلی‌پور و اسماعیل نژاد. رقابت‌های قهرمانی آسیا از ۲۱ تا ۲۸ شهریور در ژاپن برگزار می‌شود.

جادو و جادوگری هنوز هم در فوتبال ایران رونق دارد

مربی نمی‌خواهیم!

جادوگر هست!

<p>بیهوده نیست که تعدادی از اهالی ورزش از وجود جادو و جنبل خبر می‌دهند و از این می‌گویند که همچنان بعضی مدیران و مربیان دست به دامان افرادی شده‌اند که به اصطلاح خودشان «با انرژی مثبت» نتیجه بگیرند. یکی از مدیران سابق فوتبال که همه از ارتباط او با جادوگر معروف خبر دادند، هنوز بعد از گذشت دودهمه به توجیه این ارتباط می‌پردازد و می‌گوید: «من هنوز با ایشان ارتباط دارم. بحث جادو نیست، او انرژی مثبت دارد. ما هنوز رفت و آمد داریم. بعضی دوستان ورزشی دیگر هم ارتباطشان را دارند. فقط لازم است شما یک بار این فرد را ببینید تا متوجه حرف‌های من شوید.» او الف، الف نام دارد. بعضی‌ها یک خان‌هم پشت اسمم کوچک او قرار داده‌اند و این گونه صدایش می‌کنند. از قضا این فرد چندی پیش همسفر یکی از تیم‌های ورزشی شد و همراه این تیم بود. در واقع مسؤولان که می‌دانستند اسم او حساسیت به همراه دارد و می‌تواند انتقاد رسانه‌ها را برانگیزد، فکر کردند و فکر کردند تا این چنین پستی برایش جور کنند. حضور پررنگ او از همان ابتدای سفر برای همه ملموس بود. یک منبع خبری در این باره به جام‌جم می‌گوید: «آقای رئیس با الف، الف دوستی نزدیکی دارد.» ۱۰ سال است تمام تصمیمات خود را با مشورت او می‌گیرد و بدون اجازه‌اش آب هم نمی‌خورد.»</p>	<p>مانده محقق</p> <p>ورزش</p>
--	-------------------------------

درباره ارتباط نزدیک آقای جادوگر با مدیران ورزشی داستان زیاد است. مثلا مدال جهانی یکی از چهره‌های نامدار ورزش ایران که در اتاق او آویزان است، حکایت از رابطه دوستانه بین آنها دارد. بد نیست بدانید این چهره مطرح هم قاب عکسی از آقای الف، الف را همیشه روی میز دفتر کارش دارد و هر جا رفته، این عکس را با خود برده است. یا آن قهرمان وزنه‌برداری که می‌گویند قبل از رفتن به مسابقات جهانی الف، الف به او گفته بود تو قهرمان جهان می‌شوی و همه از این پیشگویی تعجب کردند چون وقتی مسابقات تمام شد تعداد زیادی از نفرات آن دسته اوت کردند یا مصدوم شدند تا

درباره ارتباط نزدیک آقای جادوگر با مدیران ورزشی داستان زیاد است. مثلا مدال جهانی یکی از چهره‌های نامدار ورزش ایران که در اتاق او آویزان است، حکایت از رابطه دوستانه بین آنها دارد. بد نیست بدانید این چهره مطرح هم قاب عکسی از آقای الف، الف را همیشه روی میز دفتر کارش دارد و هر جا رفته، این عکس را با این افراد آخر و عاقبت ندارد. حتی می‌گویند شما بعد از مدتی مریض می‌شوید. یکی از چهره‌های فوتبال دقیقا به همین سرنوشت دچار شد. تحقیق کنید، به راحتی متوجه می‌شوید.»

نادر فریادشیران دستیار مایلی‌کهن نیز

جزو کسانی است که نگاه انتقادی نسبت به این موضوع داشته است. زمانی که او با مایلی‌کهن در سایپا فعالیت می‌کرد، پیش از بازی معروف‌شان با پاس گفت: «ما می‌بریم به شرط آن‌که حریف از جادوگر استفاده نکند.» فریادشیران اولین کسی بود که نام آقای جادوگر را در تلویزیون آورد. او هنوز از ارتباط نزدیک بعضی مدیران و مربیان با آقای الف، الف روایت‌هایی دارد. او می‌گوید: «به من گفتند اگر اسمش را بیاوری فلان می‌شوی و فلان. گفتم این حرف‌ها چیست؟ متأسفانه آقای جادوگر هنوز در فوتبال و ورزش ما هست و با بعضی‌ها ارتباطی نزدیک دارد. یک قهرمان سابق ملی

ابراهیمی؛ اولین خرید پرسپولیس

علیرضا ابراهیمی مدافع فصل گذشته گل‌گهر سیرجان پس از مذاکره با مدیران باشگاه پرسپولیس، رسما به این تیم پیوست. ابراهیمی که به عنوان نخستین خرید پرسپولیس برای لیگ بیست‌ویکم محسوب می‌شود با این باشگاه قراردادی دو ساله امضا کرده است. ابراهیمی پس از امضای قرارداد گفت: برای این روز خیلی تلاش کردم و در سه سال اخیر خیلی اذیت شدم. خدا را شکر می‌کنم به ازروی خودم رسیدم و امیدوارم در این راه موفق باشم.

شدیدا به او وابسته شده است.»

به سفر اخیر یکی از تیم‌های ورزشی برمی‌گردیم و ماجرای حضور آقای جادوگر! آن منبع خبری توضیح می‌دهد: «خیلی زود حضور ایشان در تیم علنی شد و درگیری‌هایی به وجود آورد. آقای مربی هم شاکي شده بود که من اینجا چکاره هستم؟ حتی دوستی که عامل حضور آقای جادوگر در اردو بود، می‌گفت بدون مربی هم می‌توانیم موفق باشیم چون کار اصلی را ایشان می‌کند.»

قصه وقتی بیخ پیدا کرد که از بازیکنان نام مادر آنها را پرسیدند! این موضوع با اعتراض بعضی بازیکنان همراه شد که «نام مادر ما را برای چه می‌خواهید؟» یکی از مسؤولان توضیح داد که ماجرا چیزی نیست که آنها فکر می‌کنند و قرار است با انرژی مثبت، به لحاظ روحی تیم را در شرایط ایده‌آل قرار دهند. منتها این توجیه بازیکنان را آرام نمی‌کند و باعث بروز مشکلاتی می‌شود. آنها احتمالا پیش‌بینی می‌کردند هر نتیجه‌ای حاصل نشود نه به پای تیم که به پای آقای جادوگر نوشته می‌شود. دقیقا همین اتفاق هم رخ می‌دهد و بعد از نتیجه خوب تیم، مسؤولی که عامل حضور الف، الف در اردو بود، در محفلی می‌گوید: «دیدید آقای... چطور هنرنمایی کرد؟ خیلی‌ها انتقاد می‌کردند فلانی بازیکن خوبی نیست ولی به لطف الف، الف عملکرد خوبی داشت! موفقیت ما به دلیل حضور ایشان در اردو بود. خدا خیرش بدهد!» به همین سادگی، موفقیت یک تیم را به پای آقای جادوگر می‌نویسند. حالا او جای پای خود را محکم‌تر و بلیت سفرهای بعدی را هم برای خود رزرو کرده است. بهنام ابوالقاسم‌پور پیشکسوت فوتبال می‌گوید: «الان هر چند جادو و جنبل در فوتبال و در ورزش ماکم شده ولی متأسفانه هنوز بعضی‌ها هستند که با اینها ارتباط دارند. یک مقطعی هم به قول خودشان جواب می‌گیرند ولی بعد مشکلات زیادی برایشان به وجود می‌آید.» او در پاسخ به این سوال که آیا خودش تا به حال با الف، الف دیدار داشته، جواب می‌دهد: «بله، وقتی در پاس بازی می‌کردیم همراه با علی جان‌ملکی به دیدار او رفتم. اوش دنبال مسائل مالی نبود و می‌گفت کار خبر می‌کند ولی وقتی متوجه شد در فوتبال پول هست، پولی شد و الان آن‌طور که شنیده‌ایم کاسبی خوبی برای خودش راه انداخته است.»

سهم فدراسیون‌ها در نتایج ضعیف ورزشکاران المپیک چقدر است؟

مدیریت آشفته

ناکارآمدی فدراسیون و پاس‌خگو نبودن آنها را تایید می‌کند. «چطور ممکن است، وزنه‌بردار کشور چین تاییه که هم از نظر رکوردی، هم از لحاظ امتیازی و هم در رتبه‌بندی دسته ۹۶ کیلوگرم المپیک از من پایین‌تر بوده، موفق شده از قاره آسیا در المپیک روی تخته برود، ولی من که این همه بدبختی و جراحی‌های سنگین را به خاطر حضور در المپیک تحمل کردم به راحتی آب خوردن حذف شوم و نتوانم روی تخته مسابقه در المپیک برای کشورم مدال و افتخار کسب کنم؟!

اگر کسی پیدا شد پاسخ منطقی و مستند برای این سؤال من داشته باشد من دیگر حرفی ندارم. اینجااست که می‌گویم وقتی شواهد و مستندات را کنار هم قرار می‌دهم به چیزی جز معامله پشت پرده روی سهمیه و مدال المپیکی‌ام در دسته ۹۶ کیلوگرم نمی‌رسم. من چه بدی به علی مرادی، صالحی امیری و سلطانی فر کرده بودم که اینطور با سرنوشت و حقم برای حضور در المپیک بازی شد؟! من بعد از مسابقه دسته ۹۶ کیلوگرم المپیک شب و روز و خواب و خوراک ندارم.»

گلایه نچمه خدمتی

«رشته اصلی من تفنگ بادی است و همه افتخارتم در این رشته است، همه مردم در جریان هستند اما به تشخیص فدراسیون دو هفته قبل از اعزام من را در تیم تفنگ بادی قرار ندادند که دل‌پیش را انتخابی و افت اعلام کردند اما می‌توانستند با توجه به تجربه و افتخار آفرینی که داشتم من را انتخاب کنند. دوست داشتم برای مردم کشورم افتخار آفرینی کنم و به همین دلیل خیلی ناراحتم.» این صحبت‌های نچمه خدمتی در خلال اشک‌های او پس از ناکامی در المپیک است. نچمه به خبرنگار می‌گوید: برای رقابت تفنگ سه وضعیت روح و روانش به هم ریخته و



یگانه عساری

ورزش

تکواندوکاران ایران تا حذف عجیب نام سهراب مرادی از فهرست و اعزام نشدن او به المپیک. از گریه‌های نچمه خدمتی تا طلبکار بودن ورزشکار المپیکی و دادن نمره ۲ به خودش! میان همه این حواشی تلخ اما یک وجه مشترک هست، «فدراسیون ناکارآمد». فدراسیون‌هایی که باید مشوق ورزشکاران باشد و وظایفشان را به درستی انجام دهد، در حالت افراط و تفریط‌اند و حالا بیشتر از آن‌که خیر برسانند به ورزشکار و ورزش ایران، در مهم‌ترین آوردگاه ورزشی جهان شر رسانده‌اند.

سهراب مرادی: از شایعه تا فاجعه

بعد از این‌که وزنه‌بردار چین تاییه که دو پله در رنکینگ المپیک از او پایین‌تر بود و طبق قوانین قبلی فدراسیون جهانی وزنه‌برداری هیچ شانس‌ی برای حضور روی تخته المپیک را نداشت، در توکیو و رقابت دسته ۹۶ کیلوگرم گروه A دیده شد و پس از کسب مدال طلای و فارسی‌الباخ» قتری که در غیاب سهراب مرادی و کیانوش رستمی به دست آمد، گمانه‌زنی‌های بسیاری به وجود آمد که روی سهمیه المپیکی سهراب برای حضور در توکیو معامله شده است. کارشناسان بسیاری در این باره نوشتند و بحث چرایی حضور نیافتن مرادی در المپیک در فضای مجازی داغ شد. حرف‌های مرادی در این باره نیز



کشتی‌آرادیکی از رشته‌هایی بود که انتظارات را برآورده نکرد

چراکسی

پاس‌خگو نیست

حالا غیر از ورزشکاران، حق مردم کشور هم هست که بدانند علت این ناکارآمدی‌ها چیست؟ چرا روسای فدراسیون‌ها ریاست را حق مسلم خود می‌دانند و استعفاپی در کار نیست؟ قرار است کسی رکورد ناطق نوری را هم بشکنند و بیش از ۲۸ سال در یک فدراسیون بماند؟ چرا افراد حاضر در فدراسیون‌ها برای ورزشکاران لاس‌سوزی نمی‌کنند و کسب نتایج ضعیف برایشان اهمیتی ندارد؟ چرا حالا که مردم از اصل داستان مطلع شده‌اند، آنها پاس‌خگوی ورزشکاران خود نیستند؟ همه اینها سوال‌هایی است که سال‌هاست بی‌جواب باقی مانده است و احتمالا از این به بعد هم قرار است همین باشد.

گوی‌ی مدیران همیشگی‌اند و مردم باید از آنها اطاعت کنند. علی‌محمد بسحاق مربی سابق تیم‌ملی تکواندو درخصوص این نتایج ضعیف گفت: «اقدامات پولادگر به‌خاطر حفظ جایگاه خودش است. او مسیری‌های دیگر را رفت و جایگاهش را حفظ کرد، اما تکواندو به قهقرا رفت. ایشان یک مدیریت پوسیده و قدیمی دارد. تکواندو به خون تازه و نیروی توانمند نیاز دارد. پولادگر همه قهرمانان و پیشکسوتان را از این فدراسیون فراری داد و تنها به قریبان‌گوها در فدراسیون هستند. من فقط خواهش دارم که آقای پولادگر بخیزید و لچ‌بازی نکنید. همین فردا خداحافظی و خانواده تکواندو را خوشحال کند.»